

برداشت جاهلانه و عالمانه از قرآن

مصاحبه مجله گلستان قرآن با آیت الله دکتر محمد صادقی تهرانی

سیامک ظریفی

اشاره:

مناسبت بین دین و دانش همواره یکی از مباحث مطرح در جامعه دینی و علمی در طول تاریخ بوده است. در این میان گاه دینداران و اهل دانش با تعصب، یکسره در پی ردّ دیگری بوده‌اند و گاه با درک اهمیت دین و دانش راه‌هایی را برای نمودار ساختن ضرورت تعامل بین این دو جستجو کرده‌اند. در این میان قطعاً معتبرترین و منسجم‌ترین نظرات از سوی کسانی مطرح شده است که همزمان به دو حوزه دین و دانش اشراف لازم و کافی داشته‌اند. آیت الله دکتر محمد صادقی تهرانی یکی از معدود کسانی است که می‌تواند در مورد وجوه مشترک دین و دانش اظهار نظر کند. مصاحبه‌ای که متن آن را پیش رو دارید، به مناسبت انتشار کتابی از ایشان با عنوان ستارگان از دیدگاه قرآن صورت گرفته است. از این عالم و محقق بنام، تا کنون نزدیک به ۱۲۰ جلد کتاب در حوزه‌های مختلف دینی به زبان‌های فارسی و عربی منتشر شده است. از جمله کتاب‌های دیگر ایشان که در آن به طرح رابطه بین دین و دانش پرداخته شده، کتاب آفریدگار و آفریده است که پیش از انقلاب تا چند سال پس از انقلاب و تا زمان حاضر نیز انتشار یافته تاکنون ۵۰ بار تجدید چاپ شده است. گفتنی است، آیت الله دکتر صادقی تهرانی دارای درجه عالی اجتهاد در کلیه علوم اسلامی و دکترای ممتاز الهیات از دانشگاه تهران است.

در قرآن مجید به طور مکرر آمده است انظروا فی السموات و الارض و از انسان‌ها خواسته شده که به زمین و آسمان نظر کنند، دلیل این توصیه چیست؟

مکلفان با نظر کردن به آسمان و زمین اولاً به وجود آفریدگار جهان پی می‌برند و عظمت، قدرت، علم و حکمت او را در می‌یابند، ثانیاً عظمت خود جهان را که آفریده حق تعالی است درک می‌کنند و با تأیید علمی آنچه که به آن ایمان دارند، ایمانشان تقویت می‌شود. در آیه قل انظروا فی السموات و الارض... گفته شده که به مکلفان بگو نظر کنند. که البته منظور دیدن سطحی نیست. بلکه دیدن عمقی، کاوشگر و دقیق مورد نظر است.

اصولاً نظاره کردن به آسمان‌ها باید چگونه باشد و منظور از دیدن عمقی، کاوشگر و دقیق چیست؟

نظر کردن به آسمان‌ها و زمین دارای سه بعد است. یک بعد نظر از دور است مانند نظاره کردن در زمانی که آیات قرآن نازل شد. در آن زمان مردم تنها می‌توانستند با چشم غیر مسلح به آسمان و زمین نظر کنند. بعد دوم نگرش با چشم مسلح و ابزار نجومی همچون تلسکوپ‌ها و اکسپرسکوپ است و بعد سوم نگرش از نزدیک است، به این معنا که مکلفان باید با فضا پیماها بروند و کرات و جوها را از نزدیک ببینند. این که در قرآن بر دیدن عمقی تاکید شده به این دلیل است که این کتاب الهی تنها مربوط به زمان گذشته نیست، بلکه تا پایان جهان معتبر است.

در آیه ۳۶ سوره توبه آمده است **یوم خلق الله السموات و الارض به این ترتیب اشاره به "روزی" شده است که "خدا زمین و آسمان را آفرید"**، اما در تعدادی دیگر از آیات از جمله آیه ۵۴ سوره اعراف، آیه ۳ سوره یونس و آیه ۴ سوره حدید آمده است **خلق السموات و الارض فی سته ایام که در آنها آفرینش زمین و آسمان در شش روز مورد تأکید قرار گرفته است** دلیل این اختلاف چیست و اصولاً آیا بر اساس این آیات می‌توان نتیجه گرفت که به تصریح قرآن مجید خلقت زمین و آسمان در یک یا شش روز صورت گرفته است؟

خیر، اصولاً در زبان عربی، یوم تنها به معنای روز نیست، بلکه به معنای زمان و دوران هم هست. در قرآن بیش از ۴۷۴ بار با الفاظ گوناگون لفظ یوم تکرار شده که تنها در دو سه جا به معنای شب و روز آمده و در سایر موارد منظور از آن زمان و دوران است و اصولاً وجود آیاتی که به آنها اشاره کردید خود بهترین دلیل بر این نکته‌هاست که مقصود از یوم، به طور مطلق "زمان" است. به این ترتیب در جایی که یوم خلق الله السموات و الارض آمده تمامی مدت آفرینش نسبت به زمان پیش از خلقت سنجیده شده و از آن به عنوان یوم یاد شده و در آیاتی که خلق السموات و الارض فی سته ایام آمده زمان بر قسمت‌های گوناگون آفرینش که شش دوران است تقسیم شده است. از طرفی قرینه‌های بسیاری وجود دارد که طبق آنها یوم در این آیات باید دوران معنی

شود، نه روز. به عنوان مثال در قرآن یوم القیامه بارها تکرار شده است در صورتی که روز قیامت ۲۴ ساعت نیست. طبق نص قرآن قیامت، پایان ندارد. این زمانی که آغاز دارد و انجام ندارد، یک یوم است.

آیا در قرآن دقیقاً مشخص شده که در هر یک از دوران‌های ششگانه چه اجزایی از کائنات آفریده شده است؟

در سوره فصلت به این موضوع پرداخته شده است و طبق آن دو دوران مربوط به آفرینش زمین و دو دوران مربوط به آفرینش هفت آسمان ذکر شده است. اما در مورد دو دوران دیگر به صراحت سخنی به میان نیامده است که باید با کنکاش بیشتر در آیات قرآنی به آن پی ببریم.

کهکشان‌های منظومه شمسی ما در آن قرار دارد یک کهکشان حلقوی است، آیا هر یک از حلقه‌های آن را می‌توان یک آسمان تعبیر کرد؟

خیر، طبق آنچه که در سوره‌هایی از جمله فصلت و ملک آمده، تمام این کهکشان و سایر اجرام در آسمان اول قرار دارند. ما تنها از همین آسمان اطلاعاتی داریم که البته کامل هم نیست. از شش آسمان دیگر بجز آسمان هفتم که می‌دانیم بهشت در آنجا قرار دارد، مطلقاً اطلاعی نداریم. انسان هنوز حتی توانایی آن را پیدا نکرده که به عمق آسمان اول که ستارگان فروزان در آن قرار دارند، دست پیدا کند. بنابر این بشر در حال حاضر در مورد سایر آسمان‌ها نیز هیچ اطلاعی ندارد که البته ممکن است با پیشرفت علم در آینده بتواند تا حدودی از مجهولات خود در این زمینه بکاهد.

یکی از اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه دانشمندان " اختر فیزیک"، شناخت ماده اولیه‌ای است که پیش از انفجار بزرگ و تشکیل نوترون‌ها و پروتون‌ها و سایر ذرات ریز اتمی وجود داشته است، قرآن مجید در این مورد چه می‌فرماید؟

آیه هفتم سوره هود تنها آیه‌ای از قرآن است که اشاره‌ای به ماده نخستین خلقت دارد. در این آیه آمده: هوالذی خلق السموات و الارض فی سته ایام و کان عرشه علی الماء. البته عرش در قرآن با معانی متفاوتی آمده است. اما با توجه عمقی به خود آیه و به

احادیث فراوان، از آیه مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که آفرینش جهان و هر آنچه در آن است، از ماده نخستین ماء شروع شده و روشن‌ترین روزنه‌ای که از کلمه ماء به چشم می‌خورد این است که جهان آفرینش در آغاز چهره‌ای یکنواخت داشته، اما پس از حادثه یا حوادثی به صورت‌های گوناگون گذشته و کنونی در آمده است. چنان که آب نیز ماده‌ای است روان و دارای اجزای یکنواخت. البته در واقع در اینجا لفظ آب استخدام شده است، زیرا لفظ دیگری نداریم که بیانگر این ماده اولیه دارای اجزای یکسان باشد. باید گفت قرآن نیز هرگز به صراحت درباره حقیقت این ماده سخنی به میان نیاورده است، از این رو دقیقاً نمی‌دانیم ماهیت این ماده چیست. بنابر این لازم است با دقت و ژرف اندیشی در آیات مقدس قرآن و گفتار معصومان به آن پی ببریم.

در آیه یازدهم سوره فصلت که در آن به زمان پس از آفرینش زمین پرداخته شده، آمده است: ثم استوی الی السماء و هی دخان آیا منظور از دخان که آسمان از آن جنس معرفی شده، همان دود است؟

راغب در مفردات القرآن می‌گوید، دخان چیزی است که به همراه زبانه آتش متصاعد می‌شود. بنابراین اگر جنس مورد نظر آب باشد که به جوش آمده، دخانش بخار است و اگر هیزم و زغال سنگ و سوخت‌های معمولی باشد، دخان آن دود خواهد بود. ولی اگر آن جسم آهن، فولاد و یا فرضاً اتم باشد، دخان آن گاز است. به این ترتیب منظور از دخان در آیه ذکر شده باید گاز باشد. پس آسمان از زبانه‌های آتشی که از ماده‌ای به نام "ماء" شعله زده، آفریده شده است و به عبارتی، ماده اصلی جهان چنان منفجر شده که این گونه گازهای داغ از آن متصاعد شده است. با توجه به این نکته، به این مسأله پی می‌بریم که منظور از ماء که در پرسش قبلی به آن اشاره شد، همین آب معمولی مرکب از یک اتم اکسیژن و دو اتم هیدروژن نیست. زیرا آب در دمای ۱۰۰ درجه به جوش می‌آید و به بخار تبدیل می‌شود. از طرفی آب در حالت غلیان، آتش و زبانه آتش تولید نمی‌کند، چه رسد به آن که زبانه دود و گاز تولید کند. به این ترتیب باید گفت ماده نخستین جهان، ماده‌ای یکنواخت، همانند و در عین حال دارای قابلیت اشتعال فراوانی بوده که از انفجار آن زمین و آسمان پدید آمده است.

دانشمندان به چند احتمال در مورد آینده جهان معتقدند. آنان می‌گویند جهان که پس از انفجار بزرگ تا کنون در حال انبساط بوده، ممکن است برای

همیشه گسترش یابد، یا شاید روزی نیروی جاذبه مجموعه جهان، سبب کنی گسترش آن شود یا حتی این گسترش را متوقف کند. در آن صورت کهکشان‌ها به سوی هم باز خواهند گشت و تصادم بزرگ صورت خواهد گرفت و ممکن است جهانی جدید از انفجاز بزرگ دیگری به وجود آید. آیا آیات قرآنی چنین احتمالی را تأیید می‌کند؟

از برخی آیات قرآن می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در زمان رستاخیز عمومی جهان، آسمان مجدداً به حالت دখانی باز می‌گردد. از جمله در سوره دخان آمده است. فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین یعنی در انتظار آن روزی باش که آسمان دخان آشکار کننده‌ای می‌آورد. این روز طبق آیات قرآنی، روز انقراض جهان است که آسمان به صورت اول خود باز می‌گردد. همچنین از آیه والسماء ذات الرجوع در می‌یابیم که آسمان در پایان کار به صورت نخستین خود که همان حالت دخان گاز است باز می‌گردد و طبیعتاً زمانی که ارکان آسمان مختل شود، زمین، ماه، خورشید، ستارگان و سایر اجرام آسمانی نیز به همان سرنوشت دچار می‌شوند و البته با استناد به برخی آیات و احادیث می‌توان به قرآینی در مورد آفرینش جدید پس از فرو ریختن زمین و آسمان دست یافت. از جمله در جلد دوم البرهان این حدیث از حضرت امام باقر(ع) نقل شده است: شاید شما گمان برید که چون قیامت بر پاشد و خداوند جسم و روح موءمنان و کافران را به جایگاه خود در بهشت و دوزخ روانه کرد، آبادی‌ها و شهرهای دیگری که اهلش خدا را عبادت کنند، پدید نخواهد آورد و خدای بزرگ زمین و آسمان دیگری نخواهد آفرید. این پنداری است غلط و ناروا. مگر خداوند در قرآن نفرموده است یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات زمین به غیر این زمین؛ و آسمان‌ها به غیر این آسمان‌ها تبدیل خواهند شد، نه آن که زمین و آسمان نابود گردند و عوالم دیگری جایگزین آنها نشود. از اینها نتیجه می‌گیریم که خداوند پیوسته در کار آفرینش است و جهان در دست قدرت‌ش چهره‌های گوناگون پیدا می‌کند و هنگامی که رستاخیز کلی و عمومی جهان به وقوع پیوست، موجوداتی دیگر می‌آفریند.

طی تاریخ مفسرانی کوشیده‌اند پایه‌های علمی آیات قرآنی را به اثبات برسانند. به طور کلی تلاش این مفسران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من هر اقدامی که در زمینه جلوگیری از برداشت خرافی و جاهلانه از قرآن صورت گیرد، مفید است. زیرا قرآن کتابی عالمانه است. اما متأسفانه برخی مفسران در این زمینه راه افراط را در پیش گرفته‌اند و در صدد تطبیق علوم قرآن با نظرات و حتی فرضیه‌های غیر ثابت دانشمندان برآمده و در زیر نقاب تطبیق دین و دانش و خدمت به معارف دینی، حقایق ثابت این کتاب مقدس آسمانی را نیز مانند علوم بشری به دست تحول و یا تکامل سپرده‌اند. این انتقاد نه تنها به برخی از مفسران زمان حاضر، بلکه به مفسران گذشته هم که تحمیل‌هایی به قرآن کرده‌اند، وارد است. یکی از این انتقادهایی که به بعضی از مفسران معاصر از جمله علامه سید هبه‌الدین شهرستانی و شیخ طنطاوی وارد می‌دانم این است که به عنوان مثال، آیاتی از قرآن را برای اثبات صحت فرضیه‌هایی غیر ثابت در مورد تشکیل منظومه شمسی گواه گرفته‌اند که بطلان آنها اکنون ثابت شده است. به عبارتی آنچه که زمانی دانشمندان تنها به فرض و احتمال آنها دل خوش کرده بودند اینان به عنوان اصول پابرجا و خلل‌ناپذیر علمی بر قرآن تحمیل کردند. از این رو با وجود احترامی که برای این بزرگواران قائل هستیم، وظیفه خود می‌دانم که برای دفاع از جایگاه و شأن کتاب آسمانی، آنان را مورد انتقاد قرار دهم.

لطفاً نمونه‌ای از تحمیل‌هایی که به آنها اشاره کردید، ذکر بفرمایید.

مثلاً طنطاوی برای اثبات جدا شدن زمین از خورشید به آیه سی سوره انبیا استناد کرده است. در این آیه آمده است اولم یرالذین کفروا ان السموت و الارض کانتا رتقاً ففتقناهما یعنی آسمان و زمین مدت زمانی پیوسته بودند و سپس ما آنها را گشودیم. طنطاوی هم از این آیه این طور برداشت کرده که منظور از سماوات یعنی خورشید، ارض هم که به معنای زمین است. پس منظور از کانتا رتقا این است که زمین به خورشید پیوند داشت و از ففتقناهما هم این نتیجه را گرفت که زمین از خورشید جدا شده است و در واقع چون لاپلاس، کانت و بوفون گفته بودند زمین از خورشید جدا شده، این نظریه غیر ثابت و خلاف لغت و معنا را به قرآن تحمیل کرده است. طنطاوی در این نتیجه‌گیری مرتکب چند اشتباه شده است، از جمله آن که منظور از سماوات، هفت آسمان است، نه خورشید. در آسمان اول که نزدیک‌ترین آسمان به زمین است، میلیاردها ستاره قرار گرفته که خورشید تنها یکی از این ستارگان است. برخلاف این

فرضیه قرآن، چنان که در آیات ۱۲-۹ سوره فصلت آمده خلقت اصلی زمین را در مراحل پیش از آسمانها و ستارگان دانسته است .

در قرآن مجید به مسائلی اشاره شده که بشر پس از گذشت قرن‌ها نسبت به آنها اطلاع پیدا کرده است. به عنوان مثال، در آیاتی از قرآن از جمله آیه ۳۱ سوره نازعات از "دحوالارض" که شما در کتاب ستارگان از دیدگاه قرآن با استناداتی آن را "به گردش در آوردن" و "راندن" زمین دانسته‌اید، گفته شده، در حالی که تنها پس از حدود ۱۵۰۰ سال، کوپرنیک در سال ۱۵۴۳ میلادی مدلی نجومی ارائه کرد که طبق آن گردش زمین در فضا به اثبات رسیده بود. در صورتی که تا پیش از آن بشر زمین را ثابت و مرکز جهان می‌دانست و در اروپا طی قرون وسطی کسانی که خلاف این عقیده، سخنی می‌گفتند، در آتش سوزانده می‌شدند. از طرفی در آیه ۴۷ سوره ذاریات آمده است والسماء بنیناها باید و انا لموسعون که در آن به گسترش آسمانها اشاره شده در حالی که دانشمندان در سال ۱۹۲۹ میلادی به انبساط جهان پی بردند. به موارد دیگری از این دست نیز می‌توان اشاره کرد. حال با این توضیح و با تأکید بر اشاراتی که قرآن مجید بر مسائل علمی داشته است، به نظر شما دلیل عقب ماندگی علمی کشورهای اسلامی در عصر حاضر چیست؟

اتفاقاً زمانی که در خارج از کشور بودم یک کشیش همین سوءال را از من پرسید. به او گفتم، اگر چه غرب، همزمان با دور شدن از آنچه که به نام کلیسا و انجیل می‌شناخت، پیشرفت کرد، اما ما مسلمانان زمانی دچار رکورد علمی شدیم که از قرآن دور شدیم. بنابراین قصور و تقصیر از خود ما مسلمانها است. غرق شدن در خرافات و قبول مطالب خلاف عقل و علم، سبب دور شدن از قرآن می‌شود. باید با قرآن که مملو از برترین نظریات علمی است، تماس تنگاتنگ داشت. البته همان طور که قبلاً اشاره کردم نباید نظریات علمی را که بعضاً غیر ثابت هم هستند، به قرآن تحمیل کرد. بلکه باید قرآن را با لغت قرآن معنی کنیم و در کنار آن از عقل و علم برای درک بیشتر معارف قرآنی و تقویت ایمان دینی‌مان بهره بگیریم. هر قدر با دقت و تفکر بیشتر در قرآن کنکاش کنیم، ابعاد تکاملی آن را بهتر می‌فهمیم. بعد تکمیلی هم که به راحتی قابل فهم است.

بنابراین یک بار دیگر هم می‌گوییم. قصور و تقصیر از قرآن و دین ما نیست، بلکه از کسانی است که در طول تاریخ نگرشی ناصحیح نسبت به قرآن داشته‌اند.

آدرس مقاله در پایگاه مجلات تخصصی نور: «مجله گلستان قرآن» تیر ۱۳۸۱ - شماره

۱۱۸ (از صفحه ۵ تا ۷)